مطالعات تاریخ اسلام
سال یازدهم/ شمارهٔ ۴۱/ تابستان ۱۳۹۸

نقش جهت‌گیری‌های سیاسی در شکل‌گیری گفتمان نمایشی واقعهٔ کربلا

محسن آقاحسنی[۱]
امیر تیمور رفیعی[۲]

چکیده: واقعهٔ کربلا طی قرن‌های متمادی، تأثیرگذاری پایداری بر نسل‌های متوالی داشته است. جریان‌های اجتماعی که به‌تبع این حادثه ظهور پیدا کرده‌اند، مؤید این تأثیر هستند. هنر نمایشی شبیه‌خوانی به‌عنوان یکی از گونه‌های تحول یافته گفتمان این واقعه، از جمله این جریان‌ها است. هنری که در مسیر عرضه خود، از عوامل متعدد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بهره برده است. اما آیا ریشه این آیین سنتی را فقط باید در آیین‌های باستانی ایران مانند سوگ سیاوش و... جستجو کرد؟ آنچه که کمتر مورد توجه قرار گرفته است بررسی نقش فعل و انفعالات سیاسی از قبیل تقابل و تعامل فرق و ادیان مذهبی و ارتباط آنها با حاکمان و حرکت‌های خودجوش مردمی، در فراز و فرود روند تکاملی شیوه نمایشی گفتمان این واقعه یا همان آیین شبیه‌خوانی است. در این مقاله تلاش می‌شود تا به روش تحلیلی و توصیفی و با استفاده از اسناد، گزارش‌ها و کتب تاریخی موجود، نقش این گونه عوامل سیاسی در شکل‌گیری این هنر آیینی آشکار شود.

واژه‌های کلیدی: واقعهٔ کربلا، عزاداری، شبیه‌خوانی، جهت‌گیری سیاسی

۱ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی محلات، ایران Moh_aghahasany@yahoo.com
۲ استادیار گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران (نویسنده مسئول) Amirteymour_rafiei@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۹۶/۰۸/۲۲ تاریخ تأیید: ۹۷/۰۳/۱۹

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2024-04-25]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.6.1]

The Role of Political Orientations in the Formation of Dramatic Discourse of Karbala

Mohsen Aghahasani[1]
Amir Teymour Rafiei[2]

Abstract: Karbala has had a long-lasting impact on successive generations for centuries. The social movements that emerged as a result of this incident confirm such effect. Dramatic art of "Taziyeh" as one of the evolving forms of the discourse of Karbala is among such movements. This art that has used numerous social, political, and cultural factors in the course of its presentation. However, should the roots of this traditional ritual be traced only back to ancient Iranian rituals such as the mourning for Siavash, etc.? Less noticed is the examination of the role of political interactions, such as the interplay of religious beliefs and their relationships with rulers and spontaneous popular movements, in the fluctuating evolutionary process of the dramatic discourse of this event, or "Shabihkhani" ritual. This paper tries to analyze the role of such political factors in shaping this ritual art through an analytical and descriptive method, using existing documents, reports and historical books.

Keywords: Karbala, Mourning, Taziyeh, Political orientation

1 PhD student in Islamic History, Department of History, Islamic Azad University, Mahallat Branch, Mahallat, Iran. (Corresponding Author) Moh_aghahasany@yahoo.com
2 Assistant professo, .Department of History, Islamic Azad University, Mahallat Branch Mahallat, Iran. Amirteymour_rafiei@yahoo.com.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.6.1]

مقدمه

پس از شهادت حضرت اباعبدالله الحسین(ع)، عزاداری توسط اهل بیت آغاز و توسط ائمه اطهار دنبال شد، اما پس از گذشت یک دوره ۳۰۰ ساله، اوضاع سیاسی و اجتماعی جهان اسلام دچار تحولات و دگرگونی‌هایی گردید. به‌طوری‌که عزاداری به‌عنوان آیین همگانی و رسمی، از طرف حاکمان آل بویه بر پا شد. در دوره حکمرانان آل بویه، تشیع با استفاده از زمینه‌های موجود، در قالب آیین عزاداری و نوحه‌خوانی و مرثیه‌خوانی به مرور زمان، فعالیت سیاسی و اجتماعی گسترده خود را شروع کرد و به نوعی برای زنده و پویا نگهداشتن فرهنگ عاشورا، بیان احساسات دینی- مذهبی شیعیان و نشان دادن ظلم ظالمین به اهل بیت و مبارزه و مقاومت در برابر دشمنان آنان، عزاداری را بسط و گسترش داد. تحولات مختلف سیاسی-اجتماعی و فرهنگی جامعه در دوره‌های بعدی تاریخ، رفته رفته شرایط را برای بروز خلاقیت در این زمینه فراهم کرد که نهایتاً به شکل‌گیری شیوه نمایشی گفتمان واقعهٔ کربلا یعنی «تعزیه» یا «شبیه‌خوانی» منجر گردید. بنابراین منظور از «شبیه‌خوانی» یا «تعزیه» در این مقاله، نمایشی مذهبی است که به منظور زنده نگهداشتن یاد و خاطرهٔ فداکاری‌ها، دلاوری‌ها و حفظ آموزه‌های مکتب اهل بیت شکل گرفت و به‌عنوان نوعی مراسم عزاداری، به جهانیان معرفی شد. البته با شکل‌گیری گونه‌های شاد این نمایش تا حدودی این معنا مخدوش گردید. اما در نظر عامه مردم، همچنان نوعی عزاداری به حساب می‌آید. در هر صورت تعزیه و عزاداری در این مقاله در معنای اصطلاحی و خاص خود به‌کار رفته‌اند و مترادف نیستند. در مورد شبیه‌نامه نیز منظور، متن‌های مربوط به این هنر نمایشی است که به صورت منظوم توسط شاعران ایرانی نگاشته شده است که بعضی اروپاییان از جمله خوچکو،[1] تحت عنوان؛ «جنگ شهادت»،[2] پلی[3] با عنوان «نمایش تراژدی حسن و حسین»،[4] لیتن[5] با نام «درام ایرانی» و گوبینو[6] در کتاب *مذاهب و فلسفه‌ها در آسیای میانه* برخی از این متن‌ها را جمع‌آوری و به

1 Chodzko.

۲ مجموعه‌ای شامل ۳۳ تعزیه‌نامه که در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود. (نک: احمد صدر حاج سید جوادی و همکاران (۱۳۷۳)، *دائرةالمعارف تشیع*، ج۴، تهران: انتشارات علمی- فرهنگی، ص۴۴۶).

3 Pelly.

۴ این مجموعه شامل سی و هفت مجلس تعزیه است که به کوشش سر لوئیس پلی کارگزار دولت انگلستان در جنوب ایران گردآوری شده است. او این مجالس را به انگلیسی ترجمه و در سال ۱۸۷۹م. تحت عنوان *تعزیه حسن و حسین* در لندن به چاپ رسانید. (نک: احمد صدر حاج سید جوادی و همکاران، همان، ج۴، ص۴۴۶).

5 Litten.

6 Gobineau.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.6.1]

زبان‌های مختلف ترجمه کرده‌اند.

هرچند محققان و پژوهشگران داخلی و خارجی کتاب‌ها و مقالاتی در مورد شبیه‌خوانی یا تعزیه نگاشته‌اند، اما این تحقیقات، محدود بوده و بیشتر جنبه کلی داشته است. صادق همایونی در کتاب *تعزیه در ایران* و عنایت الله شهیدی در کتاب *پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی* بیشتر بر جنبه‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی این پدیده و بهرام بیضایی در کتاب *نمایش در ایران* از منظر هنری و جلال ستاری در کتاب *زمینه اجتماعی تأتر و تعزیه در ایران* بر جنبه اساطیری آن تأکید داشته‌اند. اما مجید فلاح‌زاده در جلد اول کتاب *تاریخ اجتماعی-سیاسی تئاتر در ایران* به فعل و انفعالات سیاسی و نقش آنها در شکل‌گیری این پدیده اشاراتی داشته است. او حتی به تطبیق یکی از متون شبیه‌خوانی و جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی زندگی مردم در دوره قاجار پرداخته است. همچنین در کتاب پیتر چلکووسکی[1] که شامل مجموعه مقالاتی از پژوهشگران داخلی و خارجی است و تحت عنوان *تعزیه هنر بومی پیشرو ایران* گردآوری شده نیز اشاراتی غیرمستقیم به نقش عوامل سیاسی در شکل‌گیری این پدیده شده است. آژند در بخش اول کتاب *نمایش در دوره صفوی*، در بررسی نمایش‌های مذهبی در دوران اسلامی، نیم نگاهی به عوامل سیاسی مؤثر در شکل‌گیری این هنر نمایشی داشته است. در هر صورت در پژوهش‌های این حوزه به تقابل و تعامل‌های بین فرق و ادیان و نقش حاکمان و به‌طور کلی زمینه‌های سیاسی شکل‌گیری تعزیه توجه چندانی نشده است و این مسئله، تحقیق در این زمینه را دشوار می‌سازد. نکته قابل ذکر دیگر در بررسی این‌گونه پدیده‌های اجتماعی که حاصل برهم کنش مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و... است، اینکه بررسی این عوامل به صورت جداگانه بسیار دشوار خواهد بود. اما در این مقاله به جهت تأکید بر نقش فعل و انفعالات سیاسی در فراز و فرودهای فرآیند شکل‌گیری این آیین سنتی، از نقش دیگر عوامل تأثیرگذار صرف‌نظر شده است، هرچند که در برخی موارد این جداسازی امکان‌پذیر نبوده است. در هر صورت در نگارش این مقاله سعی شده است ترتیب تاریخی مطالب نیز حفظ گردد تا روند تکاملی این هنر ایرانی به نحو مطلوبی روشن شود. بر همین اساس، بررسی جهت‌گیری‌های سیاسی تأثیرگذار در این فرآیند به سه مرحله تقسیم شده است. در مرحله اول، جهت‌گیری‌ها و تدابیر سیاسی دوران امویان تا

1 J. Peter Chelkowski.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.6.1]

حکمرانی آل بویه که در سیر تکاملی شکل‌گیری هنر شبیه‌خوانی مؤثر بوده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته است. در مرحله دوم، از دوران آل‌بویه تا حکومت صفویان و در مرحله سوم نیز از دوران صفویه تا دوره قاجار، همین فعل و انفعالات تحلیل و بررسی شده است.

ضرورت این تحقیق از آن جهت است که زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی شکل‌گیری این هنر آیینی همواره مورد توجه پژوهشگران و صاحبنظران بوده و کتاب‌ها و مقالات فراوانی در این زمینه‌ها نگاشته شده، در حالی که نگاه به شکل‌گیری این پدیده از منظر سیاسی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین آشکار شدن زوایای پنهان عمل و عکس‌العمل‌های سیاسی، خلاقیت تشیع و توانمندی در انتخاب شیوه‌های متنوع مبارزاتی آنها علیه دشمنان را نشان می‌دهد که می‌تواند راهگشای رهایی از تقابل فرهنگ غرب با فرهنگ اسلام در دنیای امروز باشد. آنچه که در این مقاله به‌دست آمده، نتیجه بررسی اسناد و مدارک موجود در کتاب‌ها و پژوهش‌های تاریخی و همچنین گزارش‌های موجود از برگزاری مراسم شبیه‌خوانی است که به شیوهٔ تحلیلی- توصیفی ارائه شده است.

مرحله اول: دوره امویان تا دوران آل بویه

در دوره امویان، ظهور و توسعه نظام طبقاتی در جهان اسلام منجر به تقابل دوباره دنیای باستان قبل از ظهور اسلام، یعنی دنیای شرق به رهبری ایرانیان و دنیای غرب به رهبری یونانیان و سپس رومیان شده بود. چراکه در ادامه نبرد داخلی جامعهٔ اسلامی میان حق و باطل، جهان مسلمان شدهٔ شرق که عمدتاً شامل ایرانیان و به‌ویژه مردم روستاها و قشرهای پایینی شهرها می‌شد، به راه امیرالمؤمنین و جهان مسلمان شدهٔ غرب (آنچه که از امپراطوری بیزانس گرفته شده بود)، عمدتاً سوریه و مصر، به راه معاویه رفته بودند. حتی پایتخت‌های آنها نیز از تضادها و تقسیمات طبقاتی دور نماند. سوریهٔ ثروتمند و پر زرق و برق در برابر کوفهٔ سادهٔ فقیرنشین. بنابراین نبردهای اجباری و تقابل‌های طبقاتی درون جامعه اسلامی ریشه‌هایی نیز در تضادهای فرهنگی جوامع قبل از ظهور اسلام دارند و تنها در چنین زمینهٔ پیچیده‌ای است که می‌توان شور و شوق ایرانیان را به امیرالمؤمنین و خانواده‌اش و در نتیجه منشأ تاریخی- سیاسی مذهب تشیع را به‌عنوان نقطهٔ عطف هنر نمایشی تعزیه، توجیه کرد. هرچند که به اعتقاد برخی از صاحبنظران، یکی از نمودهای این اشتیاق، ازدواج امام حسین(ع)

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.6.1]

با دختر یزدگرد – شاه ساسانی– است.[۱] اما استاد مطهری در کتاب *خدمات متقابل اسلام و ایران* ضمن مشکوک خواندن داستان این ازدواج از نظر تاریخ، علت علاقه ایرانیان به تشیع و مسلمان شدن آنها را یک چیز می‌داند و آن اینکه: «ایرانی روح خود را با اسلام سازگار دید و گمگشتهٔ خویش را در اسلام یافت... یعنی ایرانیان روح اسلام و معنی اسلام را در نزد خاندان رسالت یافتند و فقط خاندان رسالت بودندکه پاسخگوی پرسش‌ها و نیازهای واقعی روح ایرانیان بودند».[۲]

در واقع عشق و ارادت و بهره‌گیری از روشنگری‌های ائمه اطهار و استقرار در مسیر حق، حاصل یافته‌های ایرانیان بود که بعد از واقعهٔ عاشورا، تبیین جنبه‌های مختلف این واقعه ازجمله عدالت‌جویی و ظلم‌ستیزی را در پی‌داشت. جدای از عشق و علاقه ایرانیان به اهل بیت، زخم اختلافات و کدورت‌های ایرانیان با اعراب که از زمان شروع تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها، پس از فتح ایران آغاز شده بود، در طول تاریخ اسلام هر از چند گاهی سرباز می‌کرد و به شکل‌های مختلف خود را نشان می‌داد. البته در ابعاد هنری نیز این غدهٔ چرکین (کینه از اعراب) به شیوه‌های گوناگون نمود داشت. مثلاً در ادبیات، ماجرای ضحاک ماردوش که فردوسی او را تازی می‌خواند و صادق هدایت که در نیرنگستان زبان دیوهایی به نام «نسناس» را عربی می‌داند.[۳] این کدورت‌ها با گسترش بی‌عدالتی‌ها در دوره امویان به اوج خود رسید. مهم‌ترین واقعه‌ای که در دوره امویان، منجر به شکل‌گیری زمینه و طرح اصلی نمایش شبیه‌خوانی می‌شود، واقعهٔ غم‌انگیز عاشورا در سال ۶۱ ق است که منجر به شهادت امام‌حسین(ع) و یاران باوفایش می‌شود.

بدین‌ترتیب با وقوع حادثه کربلا و شهادت امام و یاران با وفایش، طرح اصلی نمایش شبیه‌خوانی در این دوره، شکل می‌گیرد، هرچند که اصل نمایش، قرن‌ها بعد ظهور می‌کند. از این دوره به بعد، روح حماسی و احساسی واقعه در کنار روشنگری‌های ائمه اطهار[۴] که همواره بر زنده نگهداشتن یاد و نام امام تأکید داشتند، بر حسب شرایط و به طرق گوناگون، نمایان می‌شود. پیروان مذهب تشیع، به‌ویژه پس از آن که بنی امیه روز عاشورا را روز جشن

---

۱ جلال ستاری (۱۳۸۷)، *زمینهٔ اجتماعی تعزیه و تئاتر در ایران*، تهران: نشر مرکز، ص۱۲۷.

۲ مرتضی مطهری (۱۳۷۷)، *مجموعه آثار*، ج۱۴، تهران: انتشارات صدرا، صص۱۱۴ و ۱۲۶.

۳ مجید فلاح‌زاده (۱۳۸۴)، *تاریخ اجتماعی- سیاسی تئاتر در ایران*، تهران: پژواک کیوان، ص۱۲۵.

۴ احادیث و روایت‌های متعددی که در باب عزاداری و زیارت امام حسین(ع) از آنها نقل شده است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.6.1]

و سرور اعلام کرده بودند، با انگیزه بیشتر و به صورت پیدا و پنهان، به‌خصوص در کوفه همواره به یاد امام‌حسین(ع) و به منظور بیزاری جستن از قاتلان و دشمنان او مجالس سوگواری برگزار می‌کردند. این مطلب را ابوریحان بیرونی این‌گونه روایت می‌کند که: «مسلمانان روز عاشورا، یعنی روز قتل امام را شوم می‌دانستند، ولی بنی امیه در این روز لباس نو پوشیدند و زیب و زیور کردند و سرمه به چشم خود کشیدند و این روز را عید گرفتند و عطرها استعمال کردند و میهمانی‌ها و ولیمه‌ها دادند و تا زمانی که ایشان بودند، این رسم در تودهٔ مردم پایدار بود و حتی پس از انقراض ایشان هم این رسم باقی ماند، ولی شیعیان از راه تأسف و سوگواری به قتل سیدالشهداء، در مدینة السلام و بغداد و شهرهای دیگر، گریه و نوحه سرایی می‌کنند و تربت مسعود حسین را در کربلا، در این روز زیارت می‌نمایند».[۱]

این‌گونه تضادها و تقابل‌های سیاسی با امویان، منجر به تعامل گروه‌های اجتماعی جامعهٔ مخالف و سرانجام قیام عباسیان شد. بنی‌عباس نیز برای تشکیل خلافت خود به نوعی از واقعه کربلا بهره‌گرفتند و با پیش کشیدن شعار«رضای آل محمد» قلوب شیعیان و علویان را به خود جلب کردند. ایرانیان که در این دوره همچنان به دنبال احقاق حق و عزت و اقتدار از دست رفته خود بودند، با حضور مؤثرشان در این قیام، نقش سازنده‌ای در پیروزی عباسیان ایفا کردند. هرچند که خاندان عباسی پس از کسب قدرت، در ابتدا برخورد مناسبی با آنها نداشتند، اما توانمندی ایرانیان در نظام دیوان سالاری و اصول مملکتداری آنها را رفته رفته به دستگاه خلافت نزدیک کرد؛ اما تعارضات سیاسی برای پیروزی حق بر باطل همچنان ادامه داشت. در این مورد جرجی زیدان در کتاب *تاریخ تمدن اسلام*، جایی که از روزگار امین و مأمون سخن به میان آورده است، مأمون را به دلیل ایرانی بودن مادرش و اینکه در دامان جعفر برمکی پرورش یافته بود، متمایل به شیعه معرفی می‌کند و ادامه می‌دهد که: «آن روزها تشیع مثل امروز، مذهب دینی به شمار نمی‌آمد، بلکه یک حزب سیاسی محسوب می‌شد. و مقصود از شیعیان دسته‌ای از ایرانیان و دیگران بودند که به علویان یاری می‌کردند».[۲] حسن ابراهیم حسن نیز در این زمینه می‌نویسد: «ایرانیان با آنکه مورد علاقه عباسیان بودند و مناصب مهم کشوری و لشکری خاص ایشان بود و .... باز هم قانع نبودند و می‌کوشیدند تا از نفوذ عباسیان رها شوند و

---

۱ ابوریحان بیرونی (۱۳۶۳)، *آثارالباقیه عن القرون الخالیه*، به کوشش اکبر دانا سرشت، تهران: انتشارات امیر کبیر، ص۵۲۴.

۲ جرجی زیدان (۱۳۷۲)، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمهٔ علی جواهر کلام، تهران: انتشارات امیر کبیر، ص۷۹۵.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.6.1]

خلافت را به علویان انتقال دهند. تمایل ایرانیان بـه خانـدان علـی سـابقهٔ طـولانی داشـت و بـه روزگار حسین‌بن‌علی می‌رسید. زیرا ایرانیان معتقد بودند که فقط خاندان علی حق خلافت دارند که از طرف مادر یعنی شهربانو دختر یزدگرد وارث خاندان ساسان بودنـد و امامـت و ریاسـت دین، حق ایشان بود و این از معتقدات قدیمشان سرچشمه می‌گرفت که پادشاهان خـویش را بـه چشم تقدس می‌نگریستند و ایشان را سایگان خدا می‌پنداشتند. هم معتقـد بودنـد کـه علویـان و خاصه فرزندان حسین که خون نبوت و سلطنت را به‌هم آمیختـه‌انـد، حـق امامـت و سـلطنت دارند که از نژاد پیغمبرند و از دودمان ساسان...».[۱]

هرچند نزدیکی ایرانیان به خلفای عباسی و ترویج آداب و رسوم و فرهنـگ ایرانـی در ایـن گزارش مشهود است، اما پس از مأمون و به‌ویژه زمانی که ایرانیان از دربار خلافـت دور شـده بودند شرایط پیچیده‌تری برای شیعیان به‌وجود آمد. ابن‌جوزی مهم‌ترین شـعار مـذهبی شـیعه را که خلفای عباسی، به‌خصوص متوکل با آن شدیداً مخالفت و مبارزه می‌کردند، مراسم سوگواری در روز عاشورا می‌داند.[۲] گزارش ابراهیم حسن نیز در مورد برخورد سیاسـی متوکـل عباسـی بـا شیعیان، گوشه‌ای از شرایط آن دوره را حکایت می‌کند: «او به سال ۲۳۶ق. فرمان داد که شـیعه و علویان از زیارت قبور ائمه خود محروم باشند و امر کرد که مرقد امام حسـین(ع) و شـهدای کربلا را هموار ساخته، جهت زراعت، آب در آن ببندند».[۳] تنوخی نیز در این مورد آورده است که: «ابومحمد حسن‌بن‌علی بربهاری، رییس حنبلیان بغداد، نوحه‌گـری و مرثیـه‌خـوانی بـر امـام حسین(ع) و زیارت قبر او را منع کرد و به کشتن نوحه‌خوانان فتوا داد».[۴]

با بررسی این روایت‌ها به نظر می‌رسد که عشق و ارادت ایرانیان به اهل بیت و بهره‌گیری از رهبری ائمه اطهار و همچنین تقابل آنها با اعراب و از طرف دیگر سختگیری حاکمان ایـن دوره در برگزاری آیین‌های شیعی، همچنان محـرک و زمینـه‌سـاز تحریـک نیـروی خلاقـهٔ شیعیان و استفاده از گونه‌های مختلف گفتمان واقعهٔ کربلا در راه عدالت‌جویی و ظلـم‌سـتیزی بوده است. منع زیارت و تخریب مرقد امام، نشان دهنده اثرگذاری این مـوارد در جامعـه آن

---

۱ حسن ابراهیم حسن (۱۳۷۳)، *تاریخ سیاسی اسلام*، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات جاویدان، ص۱۰۱.

۲ عبدالرحمن‌بن‌علی‌بن‌جوزی (۱۴۱۲ق)، *المنتظم فـی تـاریخ الامـم والملـوک*، تحقیـق عبـدالقادرعطا، ج۱۱، بیـروت: دارالکتب العلمیه، ص۲۳۷.

۳ ابراهیم حسن، همان، ص۳۷۰.

۴ محسن‌بن‌علی تنوخی (۱۳۹۲ق)، *نشوار المحاضره و اخبار المذاکره*، تحقیـق عبـود الشـالجی المحـامی، ج۲، بیـروت: [بی‌نا]، ص۱۳۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.6.1]

روز بوده است که موجبات موضع‌گیری حاکمان را فراهم کرده است. در این دوره، گفتمان واقعه عاشورا بیشتر جنبه تاریخی و عاطفی داشته که با هدف ثبت و ماندگاری وقایع و اتفاقات رخداده شکل‌گرفته است. بنابراین تجزیه و تحلیل نقل قول‌های بازماندگان، از جمله امام سجاد(ع)، تأکید برتداوم عزاداری و همچنین زیارت مرقد امام و از طرف دیگر پیدایش مقاتل از جمله مقتل «وقعة الطف» ابومخنف ازدی و نگاشتن کتاب‌های تاریخی و ثبت گزارش‌های حادثه کربلا در آنها هرچند به زبان عربی، زمینه‌ساز تغییر گفتمان در دوره‌های بعد بوده است.

مرحله دوم: دوران آل‌بویه تا حکومت صفویان

دوران آل‌بویه از نقاط عطف در تاریخ عزاداری بر سیدالشهداء است و این خاندان در سیر تحولات این مقوله، تلاش‌های چشمگیری داشته‌اند. بررسی تاریخ این دوره نشان می‌دهد که عزاداری و سوگواری بر امام حسین(ع) که مظهر حقیقت و عدالت بود، به نوعی مبارزه سیاسی به منظور احقاق حق و عدالت‌خواهی تبدیل شده بود و همین موضوع و اتخاذ شیوه‌های متنوع از جمله همگانی کردن عزاداری، راه‌اندازی دسته‌های عزاداری، منقبت‌خوانی، سرودن اشعار رثائی، سیاه‌پوش کردن، تعطیلی بازار، زیارت قبور ائمه و... مقدمات ورود عزاداری و سوگواری به مرحله جدید را فراهم کرد. گزارش‌های زیر مؤید این مطلب است.

مایل بکتاش در تفسیر گزارش‌های ابن اثیر از دوران آل بویه این‌گونه آورده است: «مراسم سوگواری عاشورا در سال ۳۵۲ق./۹۶۳ م. که به فرمان سلطان معزالدوله معمول شد و نخستین مراسم سوگواری دسته جمعی نیز به‌حساب می‌آید، با هدفی دوگانه برپا شد و مفاهیم بسیار داشت. آنها، هم دارای اهداف درونی و هم بیرونی بودند. عمومی کردن تعزیهٔ حسین‌بن‌علی[1] که قربانی ستم امویان گردید، به زمانی مربوط می‌شود که ایرانیان و هواخواهان علی برای ستاندن قدرت علیه خلیفه شوریده بودند. معزالدوله یکسال پیش از آنکه در سال ۳۵۱ق. تعزیت را در سطح عمومی برقرار سازد، با نصب اعلامیه‌ها بر سردر مساجد بغداد و لعن معاویةبن‌ابی‌سفیان و ستمگران خاندان پیامبر(ص)، مخالفت سیاسی خود را با خلافت موجود رسماً آغاز کرد. مراسم سوگواری که در سال بعد بر پا شد، بیشتر تمثیلی و قویاً حاکی از انقلاب بود و می‌خواست از طریق ایجاد تشابهات سرگذشت‌های آکنده از

۱ تعزیه در اینجا به معنای عزاداری به‌کار رفته است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.6.1]

ستم و نگون‌بختی، کنترل روانی را در دست گیرد. مهم‌ترین هدف سیاسی مراسم سوگواری دوران آل بویه، مخالفت با حاکمیت و استقرار سنیان بود. مراسم مزبور در آغاز، در راه رسیدن به این هدف گرفتار حوادث جدی شد، سوگواران ظرف ده سال پس از آن اعلامیه، با عکس‌العمل سنیان بغداد مواجه بودند، و شورش‌ها رخ داد».[۱] در کتاب *دائرةالمعارف تشیع* نیز این‌گونه گزارش شده است: «در عاشورای سال ۳۶۳ق.، سنیان اهل سوق الطعام در بغداد به یادکرد جنگ جمل و شکست حضرت علی(ع) دسته به‌راه انداختند. پیشاپیش دسته، زنی به نام عایشه و مردی در نقش زبیر و دیگری در نقش طلحه، سوار بر شتر بودند. اینان می‌گفتند که می‌خواهند با حامیان علی(ع) بجنگند. به محض اینکه دسته‌های دو طرف به هم برخوردند، جنگ درگرفت. و این به گمان قوی در معارضه با عمل کرخیان که شیعی مذهب بودند و شبیه واقعهٔ کربلا را پدید آورده بودند، صورت گرفته است».[۲] ابن‌جوزی نیز به تقابل اهل تسنن با شیعیان در برگزاری مراسم «روزغار» در روز ۲۶ ذی الحجه در برابر «جشن عید غدیر» و برگزاری مراسم به مناسبت کشته شدن مصعب‌بن‌زبیر در روز هجدهم محرم، در برابر روز عاشورا اشاره کرده است.[۳]

این اسناد، ضمن تأیید وجود شبیه‌سازی (البته به صورت صامت) تحت تأثیر تقابل اهل سنت با شیعیان در آن دوره، نزدیک شدن گفتمان واقعه کربلا به گونه نمایشی را در اثر تکامل این شبیه‌سازی‌ها از واقعهٔ کربلا در مراحل بعد تثبیت می‌کند. در واقع این حرکت‌های نمایشی صامت در کنار مناقب‌خوانی و فضایل‌خوانی که به نوعی شعرخوانی همراه با آواز و موسیقی و باز هم حاصل تلفیق خلاقیت هنری ایرانیان و فعل و انفعالات سیاسی شیعیان و اهل سنت بوده، مواد اولیه شکل‌گیری این هنر آیینی را در دوره‌های بعد فراهم می‌نماید.

تأثیر تقابل‌های مذهبی فرق در بروز خلاقیت شیعی را بیضایی در شرح سیر تکاملی این آیین آورده است: «یکی از طرقی که شیعه پس از کسب قوت برای نشر مذهب خود انتخاب کرده بودند استفاده از مناقب‌خوانان یا مناقبیان بود. مناقبیان ظاهراً از دورهٔ آل بویه در عراق وجود داشتند؛ زیرا درست در آغاز دورهٔ سلجوقی که شیعه در نهایت ضعف به‌سر می‌بردند، مناقبیان در طبرستان و بعضی نواحی عراق سرگرم کار بودند. آنها قصیده‌هایی را که در مدح

---

۱ پیتر چلکووسکی (۱۳۶۷)، *تعزیه هنر بومی پیشرو ایران*، داوود حاتمی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، صص ۱۳۹-۱۴۰.

۲ دائرةالمعارف تشیع، ج۴، ذیل «تعزیه».

۳ ابن‌جوزی، همان، ج۱۵، ص۱۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.6.1]

علی(ع) یا سایر ائمه اطهار بود، در کوی و برزن و بازار می‌خواندند و در آنها گاهی به گروهی از صحابه که غاصبان حق شمرده می‌شدند، تعرضاتی وجود داشت. اهل سنت نیز در برابر شیعیان، فضائل‌خوان به‌راه انداخته بودند. آنها نیز فضائل ابوبکر و عمر و دشنام‌های رافضیان و ذکر اصول جبر و تشبیه و امثال آنها را به شعر می‌خواندند. آنها همچنین کسانی را بر آن داشتند تا مغازی‌های دروغ و حکایات بی‌اصل وضع کردند در حق رستم و اسفندیار و... تا شجاعت‌ها و دلاوری‌های حضرت‌علی(ع) در مغازی‌ها را کمرنگ جلوه دهند».[۱]

به نظر می‌رسدکه در این دوره، کشمکش‌های فرقه‌ای، بستری مناسب برای ظهور و رشد استعدادها و ظرفیت‌های آیینی هر فرقه فراهم کرده است. ترغیب به سرودن اشعار رثایی در سوگ امام سوم شیعیان و ترویج آنها نیز در این دوره، نشان از توجه حاکمان به استفاده از ابعاد مختلف هنر، در این زمینه دارد.

ابوبکر خوارزمی از نویسندگان و شاعران ایرانی سدهٔ چهارم، دربارهٔ اشعار خویش گفته است: «سرگذشت حسین‌بن‌علی را برای بازنمایاندن شقاوت قاتلان او و لعنت آنان باز گفته است». ابوبکر خوارزمی در آثار خود بر «اصل اختیار» تأکید می‌ورزید و تحت تأثیر فرقهٔ معتزله قرار داشت. بکتاش نیز در این مورد اعتقاد دارد: «مراسم سوگواری عاشورا دارای نوعی تمایل فلسفی بود که در عین پرورش در نهضت شیعه و گرایش‌هایی مشابه فرقهٔ فلسفی معتزله، از یک اصل اساسی نشئت می‌گرفت. در فرهنگی که تعزیه[۲] جزئی از آن بود، اصول حیات، اختیار و تشبه در نمو و تکامل تعزیه نقش تعیین کننده‌ای داشت. این سوگواری‌ها حمایتی مشروط از مفهوم اختیار به‌عنوان «امر فی الامرین» بود که خواستار آزادی و اختیار انسان بود».[۳]

در مقابل اندیشمندان معتزلی (مورد حمایت شیعیان) که به آزادی و اختیار انسان اعتقاد داشتند، متفکران اشاعره (مورد حمایت اهل سنت) بودند که اعتقاد به جبر داشتند. آیین سوگواری برای امام حسین(ع) که در واقع عبارت از لعن ظلم و تأکید حقانیت انسان در مخالفت با ظالمان بود، نمایشی از مفهوم عدل و در مجموع در تضاد با آرای محققان و متفکران رسمی خلافت به‌شمار می‌آمد. گویا اعتقادات معتزله و قدرت آنها در تقابل با

---

۱ بهرام بیضایی (۱۳۹۲)، *نمایش در ایران*، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، صص۶۹-۷۰.

۲ تعزیه در اینجا به معنای عزاداری به‌کار رفته است.

۳ چلکووسکی، همان، ص۱۴۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.6.1]

اشاعره، زمینه را برای سوگواری روز عاشورا تقویت کرد که خود احساس مشارکت در مصیبت‌های امام حسین(ع) و ضدیت او با ظلم را فراهم آورد. تأکید شیعه بر گریستن، به صورت نوعی مخالفت در مقابل سنت‌های ناسازگار جامعه جلوه‌گر شد.

از تقابل و تضادها که بگذریم، در طرف دیگر ماجرا، به نظر می‌رسد که تشابه نمایش شبیه‌خوانی با نمایش‌های مسیحی که در اروپا برگزار می‌شد، با سیاست خارجی حاکمان آل‌بویه بی‌ارتباط نبوده است. نظر کارشناسان هنری در مورد شباهت‌های این نمایش‌ها این فرضیه را تأیید می‌کند. سید حسین فدایی حسین در کتاب *تجلی دین در نمایش شرق و غرب* ضمن تشریح شباهت‌ها و تفاوت‌های این نمایش‌ها این‌گونه آورده است: «در اروپا، شروع کار با دسته‌های ویژه عید فسح (پاک) بود به صورت پرده‌های نقاشی عظیمی که شرکت‌کنندگان را محو خود می‌کردند. سپس چهره‌های این پرده‌های نقاشی جان می‌گیرند و ترکیب‌های ایستا به حرکت درمی‌آیند و تماشاگر را نیز ملزم به تغییر جا می‌کند. سرانجام در مرحله سوم مطلبی از روی متنی خوانده یا زبان حال گفته می‌شود. شروع شکل‌گیری دسته‌های عزاداری نیز تا حدودی به همین‌گونه‌اند».[۱]

روایی و قراردادی بودن شکل اجرای نمایش و نقش تأثیرگذار شعر و موسیقی در هردوی آنها از جمله شباهت‌هایی است که ارتباط فرهنگی و هنری شیعیان و مسیحیان را تأیید می‌کند. بر همین اساس مجید فلاح‌زاده بین مراسم عزاداری این دوره و نمایش مذهبی مسیحیان در اروپا قرابت خاصی قائل است. او برگزاری مراسم عزاداری در دوره دیلمیان (۳۵۲ق.) را با مراسم مذهبی- نمایشی مربوط به زندگی (مرگ و رستاخیز) عیسی مسیح که همزمان (۹۶۳م.) در اروپا برگزار می‌شد مرتبط می‌داند. او برای اثبات نظر خویش دو دلیل آورده است: اول فضای باز سیاسی که دیلمیان به‌وجود آورده بودند و وجود وزیر مسیحی ناصربن‌هارون در دربار عضدالدوله و دوم اینکه مسیحیت نیز تحت فشار اعراب سنی مذهب، حیاتش به خطر افتاده بود و اتحاد و تعامل تشیع و مسیحیت ضروری به نظر می‌رسید.[۲]

در هر صورت تشابه این آیین‌ها خود می‌تواند نشان‌دهنده وجود نوعی ارتباط و تعامل سیاسی بین دولت‌های شیعی و مسیحی باشد که طبیعتاً تعاملات و مراودات اجتماعی و فرهنگی را نیز در پی داشته است. و البته این به معنای تقلیدی بودن مراسم عزاداری و

---

۱ سید حسین فدایی حسین (۱۳۸۵)، *تجلی دین در نمایش شرق و غرب*، تهران: انتشارات نمایش، ص۲۳۸.

۲ فلاح‌زاده، همان، ص۱۳۳.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.6.1]

شبیه‌خوانی از آیین‌های مسیحیت نیست، بلکه نشان‌دهندهٔ تأثیر متقابل فرهنگی و اجتماعی است که در اثر وجود ارتباطات سیاسی در دوره‌های مختلف می‌توانسته در تکوین و تکامل هنر شبیه‌خوانی، نقش داشته باشد. براون[۱] قرن‌ها بعد، پس از تماشای تعزیه به‌نوعی به این تأثیر اشاره می‌کند: «به نظر می‌رسد بعضی از وقایع ضمنی داستان زندگی امام حسین(ع)، تقریباً نشان دهنده یک احساس همبستگی ناخودآگاه با مسیحیان، از جانب ایرانیان شیعه مذهب است که ناشی از سهیم شدن در عقیدهٔ «جبران گناه انسان توسط عیسی مسیح» است. بهترین مثال در این زمینه محاوره و شهادت سفیر فرنگ در بارگاه یزید است؛ صحنه‌ای جالب توجه در تعزیه و به‌خصوص مناسب برای زمانی که تماشاگران شامل مهمانان اروپایی نیز باشند».[۲]

نکته جالبی که براون پس از شکل‌گیری شبیه‌خوانی و مشاهده آن بدان اشاره کرده است و می‌تواند نشانی از نقش تعاملات سیاسی حاکمان در طراحی هنر شبیه‌خوانی باشد، حضور نقشی با عنوان فرنگی[۳] در نمایش شبیه‌خوانی است؛ شخصیتی که به نظر می‌رسد طراحان شبیه‌خوانی بیشتر به منظور نشان دادن عمق قساوت و سنگدلی اعراب از آن بهره برده‌اند. این مورد در دو شبیه‌نامه «مسلمان شدن و شهادت ایلچی فرنگ» و «ایمان آوردن قانیا سلطان فرنگ» از مجموعه شبیه‌نامه‌هایی که سرلوئیس پلی آن را جمع‌آوری و ترجمه کرده، آمده است.[۴] همچنین، شبیه‌نامه «دختر مسیحی» که گوبینو به تفصیل در مورد آن نوشته نیز از همین نمونه است.[۵]

بنابراین سیاست‌های باز داخلی و خارجی دیلمیان، ضمن برقراری ارتباط فرهنگی و هنری غرب و شرق، شرایط مطلوبی برای فعالیت شیعیان و به‌ویژه احیای آیین‌ها و سنت‌های آنان فراهم کرد. در این فضا توجه به رشد علم و دانش و همچنین زمینه مساعدی که علمای شیعی از جمله شیخ صدوق، شیخ طوسی، ابن جنید، شیخ مفید، سید رضی و... به‌دست آورده بودند نیز در نوع خود نقش تعیین کننده‌ای در تغییر و تحولات نوع گفتمان ایجاد کرد. نظر علما و بزرگان دین در مورد شبیه‌سازی و «اصل تشبه» در دوره‌های بعد، شکل‌گیری این آیین نمایشی

---

1 Browne.

۲ ادوارد براون (۱۳۶۹)، *تاریخ ادبیات ایران*، ترجمهٔ دکتر بهرام مقدادی، تهران: مروارید، ص۱۸۹.

۳ البته در شبیه نامه‌ها شاهد حضورشخصیت‌هایی از فرق و ادیان مختلف از جمله مسیحی، کلیمی، هندو، تصوف و... هستیم. نک: رضا کوچک‌زاده و فرهاد مهندس‌پور (پاییز و زمستان ۱۳۹۱)، «گفتگوی ادیان در شبیه خوانی»، *دو فصلنامه تخصصی دانشگاه هنر*، ش۵، ص۹.

4 S. L. Pelly (1879), *The Miracle Plays of Hassan and Hossein,* London.

5 Josef Gobineau (1950), *Religions et philosophies*, Paris: Le Asia Central, p.395.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.6.1]

را وارد مرحلهٔ جدیدی کرد. چلکووسکی در این مورد می‌نویسد: «ابوالقاسم محمودبن‌عمر زمخشری (۴۶۷–۵۳۸ق.) از متکلمان ایرانی در کتاب خود به نام *اطواق الذهب فی المواعظ و الخطب* توضیح داده است: بنا به سنن مذهبی، هرکس برای حسین(ع) بگرید یقیناً در قیامت با او محشور خواهد شد. و هرکس در پیش خود بگرید و باعث گریه دیگران شود از خوبان است. بنا به گفته او: هرکس که خویش را همانند (تشبه) دسته‌ای سازد در زمرهٔ همان دسته است، و همان قدر و ارزش به او خواهد رسید. یعنی، او زمینهٔ نظری تقلید را مهیا ساخت و به عملی که از هر طریق موجب گریه بر امام حسین(ع) گردد ارزش و اهمیت بخشید».[۱] البته روایات و احادیث از ائمه اطهار و بزرگان دین در این مورد فراوان است و ذکر این مورد تنها به جهت تأثیر مستقیم کار او (بسط موضوع تشبه) در سیر تکاملی مقتل‌نگاری، مقتل‌خوانی، روضه‌خوانی و شبیه خوانی است.

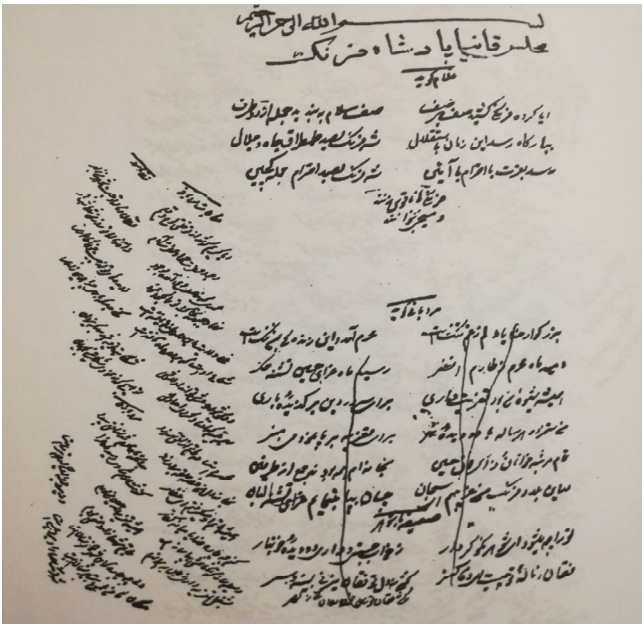

شکل ۱. تصویری از شبیه نامه مجلس قانیا پادشاه فرنگ

پس از سقوط دیلمیان و تغییر و تحولات حکومتی، شرایط تا حدودی برای شیعیان دگرگون

۱ چلکووسکی، همان، ص۱۴۷.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.6.1]

شد، اما اثرات فعالیت‌های آل‌بویه در دوره‌های بعد همچنان مشهود است. مقبولیت یافتن عزاداری عاشورا حتی در بین شافعیان و حنفیان و یکپارچگی این آیین در سدهٔ ششم در گزارش عبدالجلیل قزوینی رازی صاحب کتاب *النقض* آشکار است: «بر همه عالمیان روشن است که امام مقدم بوحنیفه و امام مکرم شافعی و علما و خلفا و طوایف خلفاً من سلف، سنت عزاداری را رعایت کرده‌اند. چنانکه خود شافعی را درباره حسین و شهدای کربلا مراثی بسیار است».[۱] او همچنین از اعیان و اشراف اهل سنت یاد می‌کند که در مناطق مختلف با اینکه تحت سلطهٔ سلجوقیان و غزنویان سنی مذهب بودند، اما مراسم عاشورای حسینی را برپا می‌کردند، از جمله خواجه علی غزنوی حنفی در بغداد، مجدالدین مذکر همدانی در همدان، خواجه امام نجم ابوالمعالی‌بن‌ابوالقاسم بزاری حنفی مذهب در نیشابور و....[۲] بنابراین تعاملات بین فرق در این دوره‌ها نیز در نوع خود شرایط مطلوبی برای بسط و گسترش عزاداری فراهم کرده بود.

سقوط خلافت عباسی به دست مغولان، چشم‌اندازی نو در مسیر فعالیت‌های تشیع پدید آورد. حضور علمای برجسته شیعی از جمله خواجه‌نصیرالدین‌طوسی، علامه‌حلی، ابن‌طاووس، فخرالمحققین و تاج‌الدین‌آوجی در مقامات بالای دولتی حکایت از فضای باز ایجاد شده برای اجرای آیین‌های عزاداری ایام محرم دارد. در روزگار تیموریان نیز طبق آنچه که خواند میر در مورد سیاست‌های تیمور آورده است: «گاه شیعیان را بددین می‌شمرده و گاه به نام آنها و آیین‌های شیعی، از جمله واقعهٔ کربلا، دشمنان خویش را می‌کوبیده، چنانکه دمشق را با شعار انتقام حسین(ع) از نسل یزید گشوده است».[۳] به نظر می‌رسد اتخاذ این سیاست دوگانه که بیشتر به جهت بهره جستن از تمامی امکانات اتباع خویش بوده، منعی برای برگزاری آیین‌ها و مناسک شیعیان ایجاد نمی‌کرده است.

اما مرحله دیگری از سیر تکاملی آیین شبیه‌خوانی با نگاشته شدن اولین مکتوب فارسی و در دوره تیموریان شکل گرفت. در دورهٔ سلطنت سلطان حسین بایقرا در هرات، کمال‌الدین ملاحسین واعظ کاشفی (وفات ۹۱۰ق.)، *روضة‌الشهداء* را به نگارش درآورد که اولین مقتل به زبان فارسی بود. متعاقب این اثر، محمدبن سلیمان فضولی (وفات ۹۳۲ق.) در بغداد با ترجمه

---

۱ عبدالجلیل قزوینی رازی (۱۳۵۸)، *النقض*، تصحیح محدث ارموی، تهران: انجمن آثار ملی، ص۳۷۰.

۲ همان، صص۳۷۱-۳۷۳.

۳ غیاث الدین خواندمیر (۱۳۶۲)، *حبیب السیر فی اخبار افراد البشر*، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، ج۳، تهران: انتشارات خیام، ص ۴۹۷.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.6.1]

روضة‌الشهداء نخستین مقتل ترکی، به نام *حدیقة السعداء* را نوشت. هر دو نویسنده نیز اظهار می‌دارند که مرهون زمخشری بوده‌اند.[۱] اشاره الشیبی در کتاب *تشیع و تصوف* به صوفیانه بودن فلسفه کاشفی و اینکه او از امام حسین(ع) یک شخصیت صوفیانه ساخته که به رضا و توکل گردن نهاده است،[۲] باز نشان از تعاملاتی دارد که به دلیل اتخاذ سیاست تساهل و تسامح حاکمان در برخورد با فرق اسلامی ایجاد شده است و تحولی دیگر در نوع گزارش از واقعهٔ کربلا را به‌وجود آورده است.

مرحله سوم: حکومت صفویان تا دوره قاجار

در جریان تشکیل دولت صفوی و حتی در زمان اوج این دولت، ضرورت مقابلهٔ اقتصادی، سیاسی و نظامی با امپراطوری عثمانی سنی مذهب، صفویان را ناگزیر کرد تا در پی یافتن متحدانی در داخل و خارج از کشور برآیند. انتخاب مذهب تشیع در داخل کشور نوعی مشروعیت و مقبولیت به حکومت صفویان می‌بخشید. این کار زمینهٔ مناسبی را برای رشد تعزیه فراهم می‌آورد چرا که بعد از پنج قرن و نیم (از دیلمیان تا صفویه) مذهب تشیع دوباره مذهب رسمی کشور شد و در نتیجه سوگواری بر شهادت امام (و البته گونه‌های مختلف آن)، دوباره و به‌طور وسیع و بدون ترس و بیم رواج می‌یابد.

جمشید ملک پور نزدیکی دین و سیاست در این دوره را عامل گسترش اشعار داستانی واقعهٔ کربلا می‌داند و این می‌تواند نشان دهنده تحولی دیگر در نوع گزارش حادثه کربلا و درآمدی بر شکل‌گیری متون شبیه‌خوانی باشد. او این‌گونه آورده است: «با روی کار آمدن دولت صفویه و رسمیت یافتن تشیع و نزدیکی حکومت و دیانت، جریان سرودن اشعار داستانی و به نظم داستانی درآوردن واقعه کربلا گسترش عظیمی یافت؛ به‌طوری‌که در کوچه و برزن دسته‌های سینه زن و زنجیرزن و نوحه‌خوان به راه می‌افتادند و در سوگ حادثه کربلا عزاداری می‌کردند. نطفه نمایش تعزیه در همین آیین‌های عزاداری بسته شد».[۳] بیضایی نیز نقش سیاست اتخاذ شده از سوی صفویان در شکل‌گیری هنر شبیه‌خوانی را این‌گونه بیان می‌کند: «جانبداری از خاندان رسالت همیشه یک سرپوش مذهبی بود برای نهضت‌های سیاسی ضدعربی ایرانیان،

---

۱ غلامرضا گلی‌زواره (۱۳۸۲)، *از مرثیه تا تعزیه*، قم: نشرحسنین (علیهاالسلام)، ص۵۳.

۲ کامل مصطفی الشیبی (۱۳۹۴)، *تشیع و تصوف*، ترجمهٔ علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص۳۲۷.

۳ جمشید ملک‌پور (۱۳۶۳)، *ادبیات نمایشی درایران*، ج۱، تهران: انتشارات توس، ۲۱۳.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.6.1]

زیرکانه‌ترین استفاده از این سرپوش را صفوی‌ها کردند، در آن هنگام که با رسمی کردن مذهب شیعه و برانگیختن احساسات مذهبی مردم – علیه عثمانی سنی مذهب – وحدتی به این سرزمین و مردمش دادند و استقلالی به قلمرو خود. پیدایش یا تحول و تکامل تعزیه یکی از نتیجه‌های این استقلال سیاسی و مذهبی بود».[۱] اینکه شاه طهماسب اول (۹۳۱–۹۸۴ق.) به محتشم کاشانی پیشنهاد می‌کند به جای مدح و ثنای وی به مدح و ثنای ائمه دین بپردازد،[۲] علاوه بر اینکه حکایت از باور او به مذهب تشیع دارد، حسابگری او را نیز می‌رساند که مدح و ثنای ائمه، به نماینده ظاهراً زمینی آنان یعنی صفویان نیز بر می‌گردد. و این در عین حال زمینه‌ساز شعر رثایی و یکی از ارکان شکل‌گیری تعزیه‌نامه‌ها نیز هست. انتخاب مذهب تشیع در سیاست خارجی نیز زمینهٔ نوعی وحدت با مسیحیت را فراهم می‌کرد که به اعتقاد فلاح‌زاده، زمینهٔ این وحدت ایدئولوژیک در تداوم مقوله‌های بنیادی، مثل شهادت و شفاعت فراهم می‌آید.[۳] رسول جعفریان نیز هدف اصلی حضور هیئت‌های اروپایی در این دوره در ایران را تحریک شاه به جنگ با دولت عثمانی می‌داند.[۴]

بنابراین صفویان با این انتخاب هوشمندانه، در پی زنده کردن آن اتحادی رفتند که گاه پنهان و گاه آشکار، در طول قرن‌ها، اغلب اقلیت شیعه و مسیحی و زرتشتی و دیگران را در برابر اکثریت سنی حاکم در جامعهٔ اسلامی قرار می‌داد. علی شریعتی در مورد این اتحاد این‌گونه آورده است: «هنگامی که قدرت مسلمین (ولو تحت نام امپراطوری فاسد عثمانی) با مسیحیت و بورژوازی نوپا و متجاوز اروپا درگیر بود و در غرب پیش می‌رفت، تشیع صفوی ناگهان در شرق برخاست و از پشت بر او خنجر زد. پادشاهان صفوی، پنهانی و آشکار با پادشاهان اروپای شرقی و قدرت‌های کلیسایی مراوده داشتند و برای نابودی دشمن مشترک مسیحیت غربی و تشیع صفوی، یعنی قدرت جهانی مسلمین توطئه می‌کردند. و این است که می‌بینیم در «شبیه» که کپیهٔ تئاترهای مذهبی مسیحیان فرنگی است، یک پرسوناژ نوظهور به نام فرنگی با عینک و کت و شلوار اروپایی وارد کربلا می‌شود و با هفتاد و دوتن هم‌پیمان و

---

۱ بیضایی، همان، ص۱۱۴.

۲ اسکندربیک ترکمانی (۱۳۵۰)، *عالم‌آرای عباسی*، تهران: انتشارات امیر کبیر، ص۱۷۸.

۳ فلاح‌زاده، همان، ص۱۴۰.

۴ رسول جعفریان (۱۳۸۹)، *صفویه در عرصهٔ دین، فرهنگ و سیاست*، ج۳، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ص۹۶۶.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.6.1]

هم‌درد می‌شود علیه مخالفان اهل بیت».[۱]

شریعتی در صحبت از حضور نقش فرنگی، ضمن تأیید اتحاد تشیع صفوی با مسیحیت برای مقابله با دولت عثمانی، نشان می‌دهد که این تدابیر سیاسی نیز زمینه‌های ارتباط هنر دینی شرق و غرب و به نوعی نقطه عطف دیگری در راستای تکوین هنر شبیه‌خوانی را فراهم نموده است. هرچند، همانطور که پیش از این اشاره شد، از بررسی محتوای متون شبیه‌خوانی این‌گونه برمی‌آید که حضور نقش فرنگی بیشتر به منظور نشان دادن قساوت و سنگدلی خاندان اموی و عباسی در برخورد با ائمه اطهار بوده است. ضمن اینکه از شخصیت‌های هندو، کلیمی، صوفی و دیگر آیین‌ها و فرقه‌ها نیز در شبیه‌خوانی استفاده شده است و صرف استفاده از نقش فرنگی نمی‌تواند دلیل بر تقلیدی بودن آن باشد.

زرین‌کوب نیز در زمینهٔ پیدایش هنر تعزیه‌خوانی، ضمن رد تقلیدی بودن شبیه‌خوانی از نمایش‌های غربی، به تأثیرپذیری فرهنگی این ارتباط اشاره می‌کند: «می‌توان پیدایش آن را به تحول روضه‌خوانی و نفوذ بعضی عناصر رسوم عزاداری دیلمیان منسوب کرد. تصور اینکه تعزیه از بعضی نمایشنامه‌های مذهبی اروپایی و در عهد صفویان به‌وجود آمده باشد چندان مقبول به نظر نمی‌رسد و تحول آن از مراسم روضه‌خوانی بیشتر قابل قبول است، تقریباً نظیر تحول تئاتر قدیم یونانی از مراسم مذهبی یونان باستان». او در ادامه این مطلب می‌نویسد: «بین تعزیه ما با بعضی نمایش‌های دینی اروپایی البته مناسبت‌هایی هست، اما تصور تقلیدی بودن تعزیه از آنها با توجه به روابط صفویه با اروپایی‌ها و طرز تلقی مسلمین از آداب و رسوم نصارا قابل قبول نیست».[۲]

بنابراین، سیاست‌های صفویان به‌عنوان حکومت شیعی و اقداماتی که در جهت رشد و گسترش آیین‌ها و مناسک تشیع صورت‌گرفت و همچنین ارتباط و تعامل دینی و فرهنگی با غرب (به هر دلیل)، گام‌های مؤثری بود که در شکل‌گیری شبیه‌خوانی نقش غیر قابل انکاری داشته‌اند.

در دوره زندیان و مقارن با پادشاهی کریمخان‌زند، گزارش کارستن نیبور[۳] جهانگرد آلمانی در سال ۱۷۶۵-۱۷۶۶ م. از تعزیه برگزار شده در جزیره خارک، نمونه‌ای دیگر از تأثیر جهت‌گیری سیاسی در سیر تکاملی این هنر را مشخص کرده است: «با اینکه شیعه‌ها در

---

۱ علی شریعتی (۱۳۶۸)، *تشیع علوی و تشیع صفوی*، تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ص۲۶۹.

۲ عبدالحسین زرین‌کوب (۱۳۸۸)، *نه شرقی، نه غربی، انسانی*، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص۴۸۷.

3 Carsten Niebuhr.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.6.1]

خارک برای برگزاری مراسم مذهبی خود آزادی عمل دارند، به خاطر وجود سنی‌ها که کمتر از شیعه‌ها نیستند و همچنین حضور هلندی‌ها نمی‌توانند در برگزاری این مراسم مبالغه کنند. حاکم خارک به منظور جلوگیری از ایجاد مزاحمت برای پیروان مذهب‌های دیگر دستور داده بود تا در دهه اول محرم کسی در خیابان‌ها به صدای بلند ناله و زاری نکند. از این رو، شیعه‌ها مراسم مذهبی دهه اول محرم را در خارج شهر برگزار می‌کردند. چون من عزاداری شیعه‌ها را ندیده بودم، روز عاشورا به خاطر من به آنها اجازه داده شد که با دسته‌هایشان وارد شهر شوند و در میدان بزرگ مراسم شبیه‌خوانی راه بیاندازند. تقریباً همه مسلمانان ساکن خارک در این میدان جمع شده بودند...».[۱] به‌رغم تداوم درگیری‌های مذهبی، فراگیر شدن تماشای شبیه‌خوانی به هر دلیل، در این سند مشهود است.

گزارش افسر انگلیسی به نام ویلیام فرانکلین[۲] نیز در سال ۱۷۸۷ م. و در زمان سلطنت جعفرخان زند از مراسم عزاداری و تعزیه حضرت قاسم که در شیراز برگزار شده بود حاکی از شکل‌گیری تعزیه به شکل امروزی است: «یکی از مؤثرترین صحنه‌هایی که به نمایش گذارده می‌شود صحنه عروسی قاسم جوان، پسر امام حسن(ع) با دختر امام حسین(ع) است؛ این ازدواجی است که هرگز به فرجام نمی‌رسد، زیرا قاسم در روز هفتم محرم در کنار رود فرات به شهادت می‌رسد... جدایی بین این نوعروس و شوهرش نیز نشان داده می‌شود و به هنگامی که شوهر جوان به صحنه نبرد می‌رود، زن به مؤثرترین وجه، ناراحتی خود را نشان می‌دهد...».[۳]

با آغاز دوره قاجار و زمانی که نمایشی کردن وقایع عاشورا در حال گسترش بود، اولین حکم معروف در مورد نمایش‌های مذهبی را میرزا ابوالقاسم‌بن‌حسن گیلانی، معروف به فاضل قمی (وفات ۱۲۳۱ق.) که از مهم‌ترین رهبران مذهبی و متکلمان و محققان شیعهٔ دوران قاجار بود، صادر کرد. او با صراحت اعلام عقیده نمود که نمایش‌های مذهبی نه تنها شرعی هستند و ممانعتی ندارند بلکه از بزرگترین آثار مذهبی نیز به‌شمار می‌آیند.[۴] البته برخی علما نیز به دلایل مختلف با برگزاری مراسم تعزیه مخالفت می‌کردند. بیضایی دلیل این مخالفت را حرفه‌ای می‌داند، زیرا شور و شوق مردم برای استقبال از پدیده تازه (یعنی تعزیه) بیشتر بود و

---

۱ عنایت الله شهیدی (۱۳۸۰)، *پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ص۷۶.

2 William Francklin.

۳ ویلیام فرانکلین (۱۳۵۸)، *مشاهدات سفر از بنگال به ایران*، ترجمهٔ محسن جاویدان، تهران: انتشارات مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی، ص۷۰.

۴ چلکووسکی، همان، ص۱۵۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.6.1]

از خطابه‌های آنان استقبال چندانی نمی‌شد.[۱] در این مورد یزدان‌پرست معتقد است: «به‌رغم انتقاد برخی از علما که بیشتر به سبب تحریف وقایع تاریخی در تعزیه بود، توجه سلاطین قاجار و مردم به نمایش تعزیه موجب رونق تعزیه در این دوره، هم از نظر محتوی و هم از نظر نحوه اجرا شده است».[۲]

در هر صورت در دوره قاجار شاهد اوج شکوفایی و تکامل شبیه‌خوانی هستیم. در این خصوص تعبیر عبدالله مستوفی قابل توجه است: «ناصرالدین شاه که از همه چیز وسیله تفریح می‌تراشید، در این کار هم سعی فراوانی به‌خرج داد و شبیه‌خوانی را وسیله اظهار تجمل و نمایش شکوه و جلال سلطنتش کرد و آن را به مقام صنعت رساند».[۳] بدین ترتیب، عوامل سیاسی، خواسته یا ناخواسته، در کنار دیگر عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در فرآیند شکل‌گیری شیوهٔ نمایشی گفتمان واقعهٔ کربلا نقش داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

در روند تکاملی آیین شبیه‌خوانی عوامل متعددی نقش داشته‌اند. عواملی که باعث شده عده‌ای ریشهٔ تعزیه را کاملاً ایرانی بدانند. اما نباید فراموش‌کرد که اسلام و واقعهٔ کربلا و مهم‌تر از همه فعل و انفعالات سیاسی بعد از آن واقعه، یکی از عوامل اصلی بروز این پدیده اجتماعی بوده است. آموزه‌های مکتب اهل بیت که در حماسه عاشورا خلاصه شده و پس از واقعه توسط شیعیان به شیوه‌های مختلف ارائه شد، با مقاومت در برابر مخالفت‌ها و بهره‌برداری از حمایت‌های حاکمان دوره‌های تاریخی و گذر از فراز و فرودها، سرانجام به شکل هنری نمایشی به جهان اسلام عرضه شد. عزاداری به‌عنوان یکی از این شیوه‌ها در این راه بیشترین سهم را داشت. با توجه به اینکه زبان عزاداری و سوگواری به ادبیات عامه مردم نزدیک بوده، به‌عنوان یکی از روش‌های بسیار مؤثر در زمینه مبارزه سیاسی علیه خلفای اموی و عباسی مورد استفاده قرارگرفته است و در نهایت در تهییج احساسات، آگاهی آنان به واقعیات، ایجاد وحدت رویه و ارادت به ائمه(ع) به‌ویژه حضرت اباعبدالله الحسین مؤثر و مفید واقع شده است. بنابراین علاوه بر خود واقعه، آموزه‌های آن نیز که مهم‌ترین آنها، ظلم‌ستیزی و عدالت‌جویی بود به شکل‌های گوناگون در جامعه تبلور یافته بود. جنب‌وجوش

---

۱ بیضایی، همان، ص۱۲۰.

۲ حمید یزدان پرست (۱۳۸۸)، *نامه ایران*، ج۵، تهران: انتشارات اطلاعات، ص۶۳۱.

۳ عبدالله مستوفی (۱۳۷۱)، *شرح زندگانی من*، تهران: انتشارات زوار، ص۲۸۸.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.6.1]

شیعه در برابر ظلم، بستری مناسب برای شکل‌گیری این گونهٔ نمایشی فراهم آورد. و این در واقع همان نبرد خیر و شر یا نور و ظلمت بود که تصویرسازی می‌شد. در حقیقت، انگیزهٔ سیاسی و پیوند آن با انگیزه دینی در کنار دیگر عوامل فرهنگی و اجتماعی، منجر به خلق اثری ماندگار به نام «تعزیه یا شبیه‌خوانی» در جهان اسلام شد. بنابراین، در بیان عوامل شکل‌گیری این آیین سنتی تنها اشاره به آیین‌های باستانی از قبیل سوگ سیاوش و دیگر عوامل فرهنگی و اجتماعی کافی نیست و چشم‌پوشی از عوامل سیاسی، منطقی به نظر نمی‌رسد.

از زمان وقوع حادثه کربلا تا گزارش برگزاری اولین نمایش شبیه‌خوانی (گزارش فرانکلین در سال ۱۷۸۷م.) که به فرم اجرایی امروزی بسیار نزدیک بوده است، حدود ۱۱ قرن می‌گذرد. شیعیان ایرانی، در این مدت رفته‌رفته با استفاده از زمان، فضا و موقعیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی پیش آمده و ترکیب آن با پیشینه باستانی خود گفتمان واقعهٔ کربلا که بیانگر ظلم‌ستیزی و حق‌طلبی بود را به شیوه‌ها و گونه‌های مختلف از قبیل عزاداری، سیاه‌پوشی، زیارت قبور ائمه، دسته‌گردانی، شبیه‌سازی، نویسندگی و سرودن اشعاررثایی، روضه‌خوانی، نقالی، پرده‌خوانی و ... زنده نگه‌داشتند و با القای شور حسینی و دمیدن روح حماسی همواره در راه مبارزه با مستکبران و مستبدان پیش‌قدم بودند و سرانجام چکیده‌ای از مکتب مبارزاتی اهل بیت پیامبر اسلام را در قالب هنر نمایش به جهانیان عرضه کردند.

در حقیقت، تعزیه تنها «نمایش مصیبت و مظلومیت» نیست، بلکه هدفی متعالی و همسو با شعار «هیهات من الذله» را در ذهن مخاطب یادآوری می‌کند که عین آن را در تاریخ زندگی اهل بیت یافته است. آیین شبیه‌خوانی به‌عنوان هنری که در نظر عامه مردم مقبولیت یافته و علاقه‌مندان خاص خود را دارد، در صورت توجه مسئولان و دست‌اندرکاران امور فرهنگی و هنری جمهوری اسلامی ایران، کماکان می‌تواند بر اساس شعار «کل ارض کربلا و کل یوم عاشورا» به‌عنوان سلاحی کارآمد در برابر تهاجم همه‌جانبه فرهنگی – اجتماعی استکبار و استعمار و حامیان آنها ایستادگی و مقاومت نماید. در پایان شایان ذکر است که این مقاله حاصل بخشی از تحقیقات انجام شده مربوط به رساله دکتری محسن آقاحسنی بوده که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات انجام شده است.

منابع و مآخذ

- ابراهیم حسن، حسن (۱۳۷۳)، *تاریخ سیاسی اسلام*، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات جاویدان.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.6.1]

- ابن‌جوزی، عبدالرحمن‌بن‌علی (۱۴۱۲ق)، *المنتظم فی تاریخ الامم والملوک*، تحقیق عبدالقادرعطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- الشیبی، کامل مصطفی (۱۳۹۴)، *تشیع و تصوف*، ترجمهٔ علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- براون، ادوارد (۱۳۶۹)، *تاریخ ادبیات ایران*، ترجمهٔ دکتر بهرام مقدادی، تهران: مروارید.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۶۳)، *آثارالباقیه عن القرون الخالیه*، به کوشش اکبر دانا سرشت، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- بیضایی، بهرام (۱۳۹۲)، *نمایش در ایران*، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- ترکمانی، اسکندربیک (۱۳۵۰)، *عالم آرای عباسی*، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- تنوخی، محسن‌بن‌علی (۱۳۹۲ق)، *نشوار المحاضره و اخبار المذاکره*، تحقیق عبود الشالجی المحامی، بیروت: [بی‌نا].
- جعفریان، رسول (۱۳۸۹)، *صفویه در عرصهٔ دین، فرهنگ و سیاست*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- چلکووسکی، پیتر (۱۳۶۷)، *تعزیه هنر بومی پیشرو ایران*، ترجمهٔ داوود حاتمی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- خواندمیر، غیاث الدین (۱۳۶۲)، حبیب *السیرفی اخبار افراد البشر*، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران: انتشارات خیام.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۸)، *نه شرقی، نه غربی، انسانی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- زیدان، جرجی (۱۳۷۲)، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمهٔ علی جواهر کلام، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ستاری، جلال (۱۳۸۷)، *زمینهٔ اجتماعی تعزیه و تئاتر در ایران*، تهران: نشر مرکز.
- شریعتی، علی (۱۳۶۸)، *تشیع علوی و تشیع صفوی*، تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- شهیدی، عنایت الله (۱۳۸۰)، *پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- صدرحاج سید جوادی، احمد و همکاران (۱۳۷۳)، *دائرةالمعارف تشیع*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- فدایی حسین، سید حسین (۱۳۸۵)، *تجلی دین در نمایش شرق و غرب*، تهران: انتشارات نمایش.
- فرانکلین، ویلیام (۱۳۵۸)، *مشاهدات سفر از بنگال به ایران*، ترجمهٔ محسن جاویدان، تهران: انتشارات مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی.
- فلاح‌زاده، مجید (۱۳۸۴)، *تاریخ اجتماعی- سیاسی تئاتر در ایران*، تهران: پژواک کیوان.
- قزوینی رازی، عبدالجلیل (۱۳۵۸)، *النقض*، تصحیح محدث ارموی، تهران: انجمن آثار ملی.
- گلی‌زواره، غلامرضا (۱۳۸۲)، *از مرثیه تا تعزیه*، قم: نشرحسنین (علیهاالسلام).
- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱)، *شرح زندگانی من*، تهران: انتشارات زوار.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، *مجموعه آثار*، ج۱۴، تهران: انتشارات صدرا.
- ملک‌پور، جمشید (۱۳۶۳)، *ادبیات نمایشی درایران*، ج۱، تهران: انتشارات توس.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.6.1]

- همایونی، صادق (۱۳۸۰)، *تعزیه در ایران*، شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- یزدان پرست، حمید (۱۳۸۸)، *نامه ایران*، ج۵، تهران: انتشارات اطلاعات.
- نیبور، کارستن (۱۳۵۴)، *سفرنامه نیبور*، ترجمهٔ پرویز رجبی، تهران: انتشارات توکا.
- *نرم‌افزار نورالسیره* [بی‌تا]، قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
- Pelly, S.L (1879), *The Miracle Plays of Hassan and Hossein,* London.
- Gobineau, Josef (1950), *Religions et philosophies*, Paris: Le Asia Central.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.6.1]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.41.6.1] [Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2024-04-25]